



۰۵/۰۸/۲۰۱۵

محمد ظریف امین یار
استاد پوهنتون و پژوہشگر

دیر آید درست آید ! (موضعگیری داکتر غنی در مقابل پاکستان ستودنی است)

بالاخره رئیس جمهور داکتر غنی بعد از اینکه حسن نیت پاکستان را در پیوند به روند صلح تجربه میکند، به جابجایی نتیجه میرسد که پاکستان هیچگاه برای حل معضل افغانستان سعی صادقانه بخرج نمیدهد و برعکس میخواید از این فرصت نیز بعنوان ابزاری استفاده نماید تا بتواند روند صلح را بلند مدت ساخته به رسم معمول از افغانستان و جامعه بین الملل باج بگیرد. اما داکتر غنی بعنوان یک سیاستمدار هوشمند که با جهت گیری های سیاسی پاکستان خوب آشنایی دارد بعد از حملات پیهم انتحاری در کابل و اکندش تندى را در برابر سیاستهای اسلام آباد اظهار داشت. در حقیقت سخنرانی تازه داکتر غنی نشان دهنده درک عمیق وی از سیاستهای پاکستان و سیاست منطقه و بین الملل است. این سخنرانی خط مشی سیاست کابل را به گونه ای ترسیم کرد که از یکطرف در گفتگوهای صلح را باز ماند و افغانی تعریف کرد و از سوی دیگر این سخنرانی یکنوع هشدار به گروه های مخالف صلح در افغانستان و پاکستان نیز بود. قرار گرفتن داکتر غنی در برابر ملت نقش پاسخدهی حکومت وحدت ملی را جلوه میدهد. توضیح وضعیت امنیتی مثلاً خروج نیروهای خارجی، انتقال مسوولیت امنیتی به افغانها و وضعیت کشورهای بعد از جنگ مثلاً عراق، سوریه و غیره آگاهی مردم را بیشتر در مورد جنگ در افغانستان افزایش داد و اذهان مردم را از نوع معضل افغانستان باخبر کرد. سپاسگزاری از نیروهای امنیتی که در اصلش بدبختانه چندان موفق هم نبوده و همچنین سپاسگزاری از آقای اتمر به نوعی انگیزش هایی برای روحیه دادن به نیروهای امنیتی بود که در حال حاضر نیاز مبرم به آن احساس میشود.

داکتر غنی ملا عمر را دست نشانده اجنبیان گفت و استخبارات افغانستان را برای کشف و تصدیق مرگ ملا عمر تمجید کرد. هر چند اشاره وی در مورد ملا عمر و ادامه جنگ بعد از مرگ ملا عمر حرف سیاسی و منطقی بود و اثبات کننده این بود که در افغانستان در واقع جنگ نیابتی جریان دارد و اداره آن از طرف پاکستان صورت میگیرد. اما تمجید کردن استخبارات افغانستان چندان عقلایی بنظر نمیرسد. داکتر غنی بیان داشت "مشکل تروریسم مشکل گسترده و فراگیر است" اشاره به این نکته در چنین وضعیتی کاملاً یک حرکت فوق العاده سیاسی بود و نه تنها برای منطقه بلکه برای جهان چنین حرفهایی بازار فوق العاده ای دارد. این حرفها دراصلش دو هدف را دنبال میکرد از یکطرف هم ردیف ساختن مشکل افغانستان با مشکل سایر کشورهایی که از تروریسم رنج میبرد، یعنی فراگیر تعریف کردن پدیده تروریسم که درست نیز است و از طرف دیگر روشن ساختن اذهان ملت تا بدانند این وضعیت فقط در افغانستان نیست بلکه فراگیر است.

بعداً غنی سخنی از حملات زنجیره ای اخیر در کابل و سایر ولایات میزند و میگوید که "شکل جنگ تغییر کرده است". گرچه برای مردم عام توجیه داکتر غنی از شدت حملات خیلی منطقی هم نبود اما حد اقل حرف جنگ بود و از جانب دیگر سخنی بود برای بی اعتبار ساختن طالبان و دیگر مخالفین سیاسی. همچنان یادآوری از ملاقات با صدر اعظم پاکستان و انتقاد کردن از دو معیاره بودن برخورد حکومت پاکستان در برابر تروریسم، قدرت سیاستمداری و چانه زنی داکتر غنی را در برابر پاکستان نشان میدهد. غنی گفت طوریکه در کانفرانس نوامبر سال گذشته تاکید کردیم، صلح دو بعد دارد: "صلح با پاکستان و صلح با طالبان". این سخن آنقدر با قدرت است که حتی میتواند پروژه تروریست سازی را کاملاً به پاکستان نسبت داد. این نکته جهانیان را معتقد میکند که طالبان و پاکستان در واقع دو روی یک سکه یا دو بال یک طیاره اند. پس بجز از صلح با پاکستان، صلح با طالبان بی مفهوم خواهد بود. داکتر غنی میگوید: "مونر د سولي امید درلود خو د پاکستان په قلمرو کې زموږ په خلاف د جنگ اعلان کيږي، دا په حقیقت کې له یوه گاونډي ملت او هیواد سره څرگنده دښمني ده"

ترجمه: ما امید صلح را داشتیم اما از قلمرو پاکستان خلاف ما اعلان جنگ میشود و این در حقیقت به معنی دشمنی با یک کشور همسایه است. این حرف داکتر غنی چنان موقف تندى وی را در قبال سیاست دوگانه و غیر صادق پاکستان جلوه داد که میدیا منطقه و جهان در موردش مباحث جدی انجام دادند. رسانه هایی مانند اکسپرس نیوز و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارى ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

قدرت پاکستان به نقل از این جمله ی داکتر غنی بیان داشتند که: " رئیس جمهور افغانستان بالاخره حرف از جنگ میزند". در تلویزیون پریس جهانی این جمله داکتر غنی به این ترتیب نقل قول گردید: "ما امید صلح از پاکستان داشتیم اما پیامهای جنگ دریافت میکنیم". هر چند میدانم که ما نه توان جنگ را با پاکستان داریم و نه جنگ میتواند یک راه حل معقول برای معضل پیچیده افغانستان باشد. با آنهم من شخصاً منتظر چنین روزی و موفقی در رابطه با طالبان و پاکستان بودم. به این دلیل که حد اقل سیاست واضح و تند میتواند برای حکومت افغانستان خودباوری و استقلالیت فکری نسبی فراهم کند که در روند صلح لزوم آن حیاتی است. ما به هیچ عنوان نمیتوانیم صلح را از پاکستان گدایی کنیم بلکه ما باید بعنوان یک کشور مستقل اولاً حمایت جامعه بین الملل را به خود جلب نماییم و ثانیاً بالای پاکستان فشار های لازم را وارد کنیم زیرا تا پاکستان در انزوا قرار نگیرد مجبور به حمایت از روند صلح نخواهد شد. از طرف دیگر پاکستان نیز امروزه در وضعیت وخیم سیاسی قرار دارد و حکومت افغانستان بسیار به سادگی میتواند از اجندهایی مانند خیبر پختونخوا، بلوچستان و سند استفاده سیاسی کند. من باور دارم اگر حکومت افغانستان از این فرصتها استفاده سیاسی کند و بتواند آتش جدایی طلبی را در پاکستان شعله ور کند، پاکستان به زانو در می آید و در این حالت پاکستان توقف دخالت افغانستان در کشورش را گدایی خواهد کرد. با چنین سیاست ما هم میتوانیم اجندا جو سیاسی خود را تامین کنیم و نیز دست حمایت پاکستان را از سر طالبان کوتاه نماییم.

وقتی غنی ابراز داشت که " بعد از این از پاکستان نمیخواهیم که طالبان را به میز مذاکره بیاورند، بلکه از پاکستان میخواهیم تا پناه گاهای تروریستان را در خاک خود سرکوب نماید". با این جمله داکتر غنی به ظاهر دست پاکستان را از روند گفتگوهای صلح کوتاه کرد و چنین نتیجه ای مبین عدم رضایت داکتر غنی از نقش پاکستان در روند صلح است. با این حرکت داکتر غنی روند صلح را افغانی تعریف کرد و ابتکار و مدیریت صلح را به دست افغانها واگذار کرد. اما اینکه افغانستان چقدر بدون نقش پاکستان میتواند به صلح پایدار دست یابد پرسشی است که متعلق میشود به اراده امریکا برای صلح در افغانستان. اگر امریکا بخواهد؛ بدون نقش پاکستان نیز صلح در افغانستان قابل تحقق خواهد بود. اما اگر اراده امریکا در خصوص صلح فریبانه باشد، بعید خواهد بود بدون نقش پاکستان صلح در افغانستان تامین گردد.

سخنرانی حاضر داکتر غنی حداقل خطوط حرکت ستراتیژیکی روند صلح را روشن ساخت اما من فکر میکنم برای آوردن صلح به افغانستان در قدم اول ما نیاز داریم در داخل افغانستان بین جریانهای سیاسی صلح بوجود بیاوریم. منظور از صلح در داخل افغانستان از بین بردن اختلافات بین سران حکومت وحدت ملی است. به یاد داشته باشید تا زمانیکه گروههای جنگجو در افغانستان بگونه ای آزاد در حکومت وحدت ملی سهمی داشته باشند و بتوانند با تشکیل دادن مثلث و یا ملیشه سازی حکومت وحدت ملی را تهدید کنند تا روند صلح را متوقف بسازند؛ امکان ندارد روند صلح به موفقیت برسد. حتی گفته میشود که یکی از علتهای عدم موفقیت روند صلح حاضر که بعد از نشست اسلام آباد موفق معلوم میشد، تشکیل مثلث ملیشه گرا در افغانستان بود. در قدم دوم برای آوردن صلح طوریکه در بالا نیز ذکر شد اراده امریکا حتمی است. سران حکومت وحدت ملی باید حکمفرمایان قصر سفید را متقاعد بسازند که صلح نه تنها به نفع افغانستان و منطقه است بلکه به نفع اعتبار از بین رفته امریکا و سیاست جوسیاسی و جو اقتصادی امریکا نیز است. در مرحله سوم باید یادآور شد؛ بدون قناعت کشورهای منطقه و جلب اجماع آنها در مورد صلح افغانستان، دشوار است در افغانستان صلح بشکل دوامدارش بوجود بیاید، پس نقش پاکستان، ایران، چین، هندوستان و روسیه را در روند گفتگوهای صلح نباید نادیده گرفت. مسأله چهارم اینکه صلح با طالبان و دیگر مخالفین سیاسی وقتی امکان پذیر است که روند صلح کاملاً افغانی شود و همه گروههای گسترده طالبان و مخالفین سیاسی در آن دخیل گردد. این کار وقتی امکان پذیر است که رژیم کابل به یکسلسه سازگاری و خوگردی تن دهد. از آنجاکه امروزه تحریک طالبان به یک آیدیالوژی مبدل شده، مهم است تا از طریق مذاکره و استدلال های سیاسی آنها را قناعت دهیم در غیر آن هیچ بعید نیست که شورشیان بخاطر برآورده نشدن شرایط افراطی آن ادامه جنگ دهند. اما حکومت افغانستان باید متوجه باشد که در روند صلح تمام دست آوردهای حکومت ۱۴ ساله افغانستان را قربانی نکند.

وضعیت کنونی حکومت افغانستان را میتوان وخیم ترین وضعیت سیاسی در ۱۴ سال اخیر عنوان کرد. از یکطرف ثبات سیاسی و امنیت در حال حاضر شدیداً صدمه دیده، از طرف دیگر وضعیت اقتصادی مردم با گذشت هر روز بدتر میشود. در این حالت تحقق به صلح و امنیت اولین هدف حکومت است و حکومت باید به زودترین فرصت میکانیزم همه جانبه و مؤثری برای آوردن صلح به افغانستان را طرح و تطبیق کند. رئیس جمهور باید به گونه ی جدی برای تجدید نظر در ستراتیژی امنیت و صلح گامهای عملی بردارد، در غیر آن صفوف مخالفین

د پاپو شمیره: له 2 تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

سیاسی افزایش خواهد یافت و حکومت افغانستان اعتبار باقی مانده خود را نیز لیلام خواهد کرد که در آنصورت تداوم این رژیم دشوار میشود.

ناگفته نماند که در چندین مصاحبات تلویزیونی و نوشته های قبلی ام در پیوند به روند صلح گفته بودم که پاکستان هیچگاه با افغانستان حسن نیت ندارد و حرکت های آن فریبکارانه و فرصت طلبانه است. در آزمون هرچند اکثر تحلیلگران تایید میکردند اما این حرفها مورد پذیرش بعضی کارشناسان قرار نگرفت. اما سرانجام امروزه واضح گردید که پاکستان در واقع اراده صادقانه و حسن نیت برای آوردن صلح در افغانستان ندارد. به هر صورت موقف امروزه داکتر غنی رئیس جمهور افغانستان کاملاً قابل پذیرش و ستایش است و باید مورد حمایت همه گروه های صلح طلب جامعه قرار گیرد. اما میدانیم که سیاست امروزه مبادله ای است و بر اساس وضعیت تغییر پذیر میباشد. از آنجاکه شناور پذیری در موضعگیری های سیاسی امروزه مبدل به یک اصل سیاست موفق شده است پس در آینده امکان دارد داکتر غنی موقف نرم تر را در مقابل پاکستان اختیار کند. موقف گریزی در سیاست تا زمانیکه منافع ملی کشور تامین باشد عیبی ندارد. در نهایت میخوام بگویم اراده سیاسی نیاز به تصمیم سیاسی که مشتق شده از تحلیل مفاد و ضرر سیاسی باشد ضرورت دارد و تطبیق آن تصمیم نیاز به قدرت و سیاست دارد. اراده سیاسی و قدرت اجرای آن را میتوان دوبرال نیکبختی و یا دو فاکتور موفقیت در سیاست دانست اما بدون بال در سیاست نباید پرید چون این پرواز مملو از ریسک اعتبار سیاسی خواهد بود. حالا اینکه غنی با بالهای مطمئن برای انجام اراده سیاسی اش در مقابل پاکستان پرواز میکند یا فقط تصوری برای پرواز بمیان آورده است ؛ این پرسش را اقدامات بعدی حکومت وحدت ملی در پیوند به روند صلح آشکار خواهد ساخت.

19 اسد 1394
کابل- افغانستان

۴

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ